

سليمي ورنگرز در كميته ملي المپيك پست گرفتند

● بهداد سليمي و حسن رنگرز در كميته ملي المپيك صاحب پست شدند. به گزارش كميته ملي المپيك، سيدرضا صالح‌اميري در ح‌كمي، بهداد سليمي را به‌عنوان مشاور خود در امور المپين‌ها منصوب كرد. همچنين حسن رنگرز به‌عنوان مشاور رئيس و مدير موزه ملي ورزش انتخاب شد. صالح‌اميري ح‌كم اين دو نفر را نيز صادر کرده است.

حساب مسدودشده ۷ فدراسيون ورزشي به زودي بازي مي‌شود

● ژاله فرامرزبان، معاون توسعه مديريت و منابع وزارت ورزش و جوانان در گفت‌وگو با ايسنا، درباره مسدودشدن حساب برخی از فدراسيون‌های ورزشي به‌خاطر بدهي مالياتي اظهار كرد: فدراسيون‌های ورزشي چون نهاد‌های عمومي و غيردولتي هستند، از زماني كه قانون ماليات جديد ابلاغ شد، مطابق اين قانون از سال ۹۰ ملزم به ارائه اظهارنامه مالياتي بوده‌اند كه البته سال گذشته متوجه شديم هيچ فدراسيوني بعد از گذشت پنج سال اظهارنامه مالياتي پر نكرده و اين خود آغاز ايجاد مشكل شد. او گفت: به هر صورت اين تذكر پنج سال پيش به فدراسيون‌ها داده شده و فدراسيون‌ها چون دستگاه اجرائي محسوب مي‌شوند شامل حال اين قانون مي‌شدند. البته وزارت ورزش و جوانان از سال گذشته پيگير اين مسئله بوده و مكاتباتي را نيز با رئيس سازمان مالياتي و عوامل ذي ربط داشته‌ايم. حتي براي اينكه حساب‌های مسدودشده باز بشوند تقاضای اعمال ماده ۲۵۱ مكرر قانون ماليات‌های مستقيم را كرديم تا كارگروه با كميت‌های در اين زمينه تشكيل و تصميم نهايي در اين كميته گرفته شود. البته اين مسله در اين كميته در حال بررسي است. معاون وزير ورزش اضافه كرد: فدراسيون‌ها خزانedar و مسئول مالياتي دارند و منابع مالي را خود بايد مديريت كنند؛ وزارت ورزش فقط نقش كمك‌كننده به فدراسيون‌ها را دارد. به هر صورت ما تلاش مي‌كنيم اين موضوع را حل‌وفصل كنيم.فرامرزبان ادامه داد: بر اساس ماده ۲۵۱ مكرر قانون ماليات‌های مستقيم كميت‌های تشكيل مي‌شود كه فصل‌الخطاب رسيدگي به موضوع ماليات فدراسيون‌هاست. تلاش بر اين است كه موضوع مسدودشدن حساب فدراسيون‌ها بر اساس اين ماده قانوني را مرتفع و حساب‌ها را باز كنيم، در غير اين صورت بايد تصميم در سطح كل گرفته شود.

داستان ورود زنان به ورزشگاه در ايران وارد فاز تازه‌تری می‌شود؛ در شرايطي كه مسئولان فدراسيون فوتبال و وزارت ورزش در تلاش هستند تا براي ديدارهای انتخابي جام جهاني كه قرار است در تهران برگزار شود، شرايط را براي ورود زنان به ورزشگاه آزادي مهيا كنند، هر روز خبر تازه‌تری منتشر می‌شود كه نهادهای

ذي‌ربط موافقت صددردصدي‌شان را نسبت به ورود زنان اعلام نكرده‌اند. البته اين مخالفت‌ها زياد نيست و در كنارش به شرط رعايت چند اصل، يكي، دو نهاد هم موافقت ضمنی‌شان براي ورود زنان به ورزشگاه را اعلام کرده‌اند. به‌اين‌ترتيب مسئولان فدراسيون فوتبال در نظر دارند براي بازي ۱۸ مهر كه قرار است بين تيم‌های ايران و كامبوج در ورزشگاه آزادي برگزار شود، چيزي بين پنج تا هشت هزار نفر از زنان را وارد ورزشگاه كنند تا اين بازي را از نزديك ببينند؛ البته آنها وعده داده‌اند

كه اين‌بار خبری از «گزينش» هم نيست و زنان می‌توانند از طريق بليت‌فروشي، بليت قسمتي از ورزشگاه را كه براي ورود آنها در نظر گرفته شده است تهيه كنند. البته

همين ورود احتمالي چندهزارنفری هم چندان ساده به دست نيامده است؛ چون حسن روحاني، رئيس جمهور ايران، براي حل مشكل ورود زنان به ورزشگاه در دو نوبت به چهره‌های مهم ورزشي قول داده و عنوان کرده اين مسله را پيگيري می‌كند. اولين ديداری كه اخبارش هم به بيرون درز كرد مربوط به ملاقات اينفانتينو، رئيس فيفا، با حسن روحاني

در فرودگاه امام خميني است؛ رئيس فيفا كه دعوت شده بود براي ديدن دربي تهران به ايران سفر كند، يك شرط براي مسئولان فدراسيون فوتبال گذاشته بود؛ او گفته بود به شرطي حاضر می‌شود به تهران سفر كند كه بتواند حتما با حسن روحاني ديدار كند؛ اين ديدار چنددقيقه‌ای و کوتاه در همان جايقه وی‌آي‌بي فرودگاه امام خميني صورت گرفت و همان‌جا بود كه جاني اينفانتينو، از رئيس‌جمهور ايران خواست مشكل ورود زنان به ورزشگاه حل شود. روحاني هم قول داد تمام توانش را به كار بگيرد تا بتواند اين معضل را حل كند.

ورزش

اينفانتينو كم بود، «باخ» هم اضافه شد

درخواست از روحانی در نیویورک



ملاقات دوم اما چيزی است كه تا به حال درباره‌اش كمتر صحبت شده است؛ اين ديدار نه در ايران، بلكه در آمريكا و در حاشيه مجمع عمومي سازمان ملل متحد صورت گرفته است؛ «توماس باخ»، رئيس كميته بين‌المللي المپيك، با حسن روحاني چنددقيقه‌ای فرصت صحبت‌کردن را پيدا كرد؛ اگرچه آن زمان عنوان شد ديدار باخ با رئيس‌جمهور ايران براي عرض تسليت به مناسبت حادثه تروريستي اهواز بوده و كمي هم درباره استقلال فدراسيون‌ها صحبت شده، ولی حالا خبر می‌رسد كه توماس باخ، رئيس كميته بين‌المللي

صالحی‌امیری: ورزش ایران بدون رسانه به مقصد نمی‌رسد

رئيس كميته ملي المپيك گفت: رسالت ما تلاش براي تحقق زيست فرهنگي در كنار زيست قهرمانی است و زيست قهرمانی پله نخست براي زيست پهلواني است. صالحی‌امیری ادامه داد: در مدت فعاليت‌های اين دوره تلاش كرديم تا برنامه‌ريزی اثريخش و سازنده‌ای داشته باشيم كه در تداوم اين مسير رسانه‌ها با ارزبايی از عملکرد ما نقش مهمی برعهده دارند. ورزش ايران بدون رسانه به مقصد و مقصود نخواهد رسيد و سانه با نقد سازنده، ورزش را در رسيدن به نقطه تعالی هدايت می‌كند. صالحی‌امیری به اصل شفافيت اشاره كرد و گفت: اگر هر چيزی غيرشفاف باشد، تاريخی‌ای پيش نيست و اين

شرایط متفاوت پرسپولیس و استقلال

با قرعه‌کشی ليگ از دیدگاه پيش‌كسوتان

خير. نقطه قوت پرسپوليس اين است كه اكثر بازيكنان اين تيم برخلاف يكي، دو فصل اخير حفظ شدند و حضور دوباره وحيد اميری و فرشاد احمدزاده كه تجربه خوبي در اين تيم داشتند از نكات قابل‌اتكاست. پرسپوليس در قياس با مدعيان امسال، كمزين تغيير را در تيمش داشته و ذهنيت بازيكنان همانند قبل، ذهنيت پيروي و قهرمانی است، اما نقطه‌ضعف اين تيم به نظر دير شروع شدن تمرينات پيش فصل بود. سه مسابقه دوستانه پرسپوليس در تركيه لغو شد و كالدرون نتوانست بهره خوبي از اين اردوی خارج از كشور ببرد. همچنين به نظم فصل قبل تيم ما در فاز حمله و كل‌زني مشكل جدی داشت و فعلا می‌بينيم مديريت باشگاه نتوانسته مهاجمی را جذب كند.

استقلال اما شرايط به نسبت معقول‌تری را (روی كاغذ) در قياس با پرسپوليس تجربه می‌كند. بازي‌های سخت اين تيم در طول فصل پخش شده، اما بهتاش فرييا، پيش‌كسوت اين تيم، عقيده دارد نبايد گول قرعه‌كشی را خورد، هرچند همين قرعه مناسب می‌تواند تضمين موفقيت استقلال در طول فصل باشد: «از نظر من قرعه خوبي نصيب استقلال شده، چراكه هر تيمي بتواند سه هفته ابتدائي را با نتايج قابل‌قبول آغاز كند می‌تواند چهره مدعی به خود بگيرد؛ شرايط براي استقلال در سه هفته ابتدای اين‌گونه است كه با سه تيمي مسابقه می‌دهد كه سال گذشته در ميانه جدول بودند. هفته چهارم اما ديدار با پرسپوليس به نظم مسابقه سختی است، به اين خاطر كه هر دو تيم مريان جديدی استخدام کرده‌اند و با شرايط فوتبال ايران آشنايی خاصی ندارند و احتمال اينكه اين مسابقه با تساوی به پايان برسد زياد است. ای‌كاش دربي پايخت در هفته هشتم يا نهم برگزار می‌شد كه تيم‌ها محتاطانه بازي كنند، اما خب متأسفانه شرايط طوری است كه بايد در هفته چهارم اين مسابقه را برگزار كنند».

فرييا همچنين درباره نقاط ضعف و قوت استقلال معتقد است زود آغازشدن دوران بدن‌سازی از نكات مثبت تيم است كه در سال‌های گذشته صورت نمی‌گرفت: «سال گذشته با شروع جام جهاني، شفر ترجيح داد مفسر يکی از شبکه‌های سونيسی شود و تمرينات تيم را خيلي دير آغاز كرد، اما امسال استراماچونی بعد از امضای قرارداد، تمرينات تيم را از سر گرفت و دو مسابقه دوستانه تيم را نيز از نزديك تماشا كردم و فكر می‌كنم فصل خوبی در انتظار استقلال باشد، هرچند اين فصل هم بازيكنان زيادی از تيم جدا شدند كه كار را براي استراماچونی سخت می‌كند، اما سرمربي ايتاليایی می‌تواند تركيب تيمش را در ديدارهای تدارك‌اتی بشناسد. دير آغازشدن مسابقات ليگ برتر به سود هر دو تيم پرسپوليس و استقلال است.»

كميته مبنای كار خود را بر اصل شفافيت و پرهيز از حاشيه‌ها قرار داده است. رئيس كميته ملي المپيك به جايقه ايران در ديپلماسی بين‌المللي اشاره كرد و گفت: بايد جايقه ايران را در مجامع بين‌المللي ارتقا داد، زيرا زمان كنشورمان اين نيست. شرايط سياسی هم در كسب كرسی‌های بين‌المللي دخيل است، اما براي كسب كرسی‌های بين‌المللي كوتاهی نخواهيم كرد. رئيس كميته ملي المپيك اظهار كرد: براي توسعه ورزش قهرمانی بايد به برابری جنسيتی توجه كنيم و از اين منظر وجه تمايزی بين زن و مرد وجود ندارد و بايد مسير عدالت در اين زمينه فراهم شود.

من مهدی شادمانی‌ام! شکر خدا سرطان دارم

● «اوس کريسم! بگو با تو و محبت‌ها‌ت چه كنم؟ كدوم شكری هست كه بتونه ذره‌ای ناچيز از محبت‌ها‌ت رو بجان كنم؟ می‌گم الحمدلله اما احساس می‌كنم كمه، بادم بده شاكرت باشم، يادم بده شكر كنم. با تمام وجود اتفاقی رو كه دارم می‌افته حس می‌كنم. ممنونتم، ممنون»، اينها را مهدی شادمانی برای ما (ايسنا) نوشته است؛ او روزنامه‌نگار است و از قديمی‌های دنياي خبر اما حدود دو سال پيش يك غده سرطانی دردناك در پايش ريشه دواند و او را خانه‌نشين كرد. حالا ۴۰ روز است كه روی تخت بیمارستان دراز كشيده: «با اينكه درمان بیماری‌های سخت اين روزها راه‌های مختلفی دارد و به آدما آموزش می‌دهند كه سرطان مثل سرماخوردگی روند مشخصی براي درمان دارد اما وقتی يك نفر درگير سرطان می‌شود، بايد بنشيند و يك‌سری حساب و كتاب با خودش بكند؛ چون ماجرا ديگر فرق می‌كند. شما مدل كار كردن من را ديده‌ايد. خيلي زحمت كشيديم تا راه ح‌داقلي داشته باشم. يك خانه بركی خودم خريدم كه البته در خريش خانواده خودم و همسر كمكم كردند. آن خانه را چند سال پيش صد ميليون خريدم‌ام كه امروز قيمتش يك ميليارد است، هر چند آن خانه الان ۱۰ ميليارد يا صد ميليارد هم بود و اصلا تو بگو واحد پولش دلار بود، هيچ فرقی برايم نمی‌كرد. امروز، اين صفرها هيچ‌كدامشان نمی‌توانند مرا نجات دهند». من سرطانم را خوب نمی‌شناختم، مدتی پنهان بود. اولش به من گفتند زود خوب می‌شوی اما اين‌طور نبود. بعدا گفتند شش ماه پيش زنده نيستی، حالا الان شوخي دكترا با من اين شده كه هر شش ماه می‌آيند و می‌گويند: تو چرا هنوز زنده‌ای؟ الان شش تا شش ماه است كه من زنده‌ام. اينها كه می‌گويم، دليل دارم. ببيند، من هميشه برای پول دويده‌ام. اما امروز، پول نجاتم نمی‌دهد. از بچگی دوست داشتم ماشين خوب و خانه خوب داشته باشم و بچه‌هايم زندگي خوبي داشته باشند. اتفاقا به همه آنها رسيدم اما وقتی متوجه بیماری‌ام شدم، از خوم رسيدم تا به حال چه چيزهایی در زندگي مرا خوشحال کرده است؟ يا چطور توانستم براي ديگران خوشحالي ايجاد كنم؟ تصميم گرفتم آن بخش زندگي‌ام را زياتر كنم. برايش نقشه ريختم، بدون اينكه بدانم مرضی‌ام چیست. اصلا نمی‌دانستم «ساركوم» آن قدر سرعت دارد. اگر می‌دانستم كه وحشت‌زده می‌شدم، دوام نمی‌آوردم. دليل دوام من اين بود كه گفتم سرطان گرفته و حتما آن را رد می‌كنم. اما بیماری‌ام پيشرفت كرد و فهميدم پول نمی‌تواند بیماری را در دست كند. اگر نمی‌تواند، پس يعنی من راه را اشتباه می‌رفتم‌ام». مهدی شادمانی دو سال به عقب برمی‌گردد؛ ۱۵ سال هر روز در سه شيفت كار می‌كردم. خبرنگاری را دوست داشتم و در خونم بود. می‌خواهم بگويم از هر سه شيفت كارای لذت بردم. اما خب به هر حال اين كار زيادی بود و هر بدني هم تا اندازه مشخصی توانايی دارد. اما ادامه می‌دهد: «وقتی به اين نتيجه رسيدم كه پول در شرايط فعلی كمکی به من نمی‌كند، بيشتر فكر كردم و ديدم فقط لحظاتی كه در آن خنديده‌ام با خوشحالی ايجاد کرده‌ام، لحظه‌های پرافتخار زندگي‌ام بوده است. به اين نتيجه رسيدم كه سرطان تمش كرم است و من اگر بخواهم كارنامه‌ام را جایی بيا در دنياي ديگر ارائه دهم، اين خيلي كم است. من با اين كارنامه هيچ چيزی گيرم نمی‌آيد. ديدم آن لحظه‌های خنديدن و خوشحالی زندگي را هميشه در كنار خانواده‌ام بوده‌ام. بعد شروع كردم براي خودم يك سري ايدوها، برنامه کوتاهمدت و بلندمدت نوشتم براي اينكه آدم‌ها را خوشحال كنم تا هم كارنامه‌ام پريار شود و هم حسرتی به دلم نماند. با خودم كه فكر كردم، ديدم من بزرگ‌شدم «آوا» دخترم را نديدم، چون داتم در حال كار كردن بودم. البته بايد كار می‌كردم چون ما به پول احتياج داشتييم اما نه آن قدر كه بزرگ‌شدن بچه خودم را ببينم. اما درباره «آراد» پسرم قضيه فرق كرد. چون هم‌زمان با حضور آراد در زندگي‌مان، بیماری‌ام زمين‌گيرم كرد. در خانه بودم؛ آراد را در بغلم می‌گرفتيم و با او كارتون تماشا می‌كردم. با او حرف می‌زدم، رنگ‌ها را به او ياد می‌دادم و اين به حدی لذت‌بخش بود كه از خودم می‌پرسيدم خدايا من چه چيزی را از خودم دريغ می‌كردم براي اينكه چه چيزی را به دست بياورم؟ به اين نتيجه رسيدم كه وقتی می‌توانم اين خوشحالي‌ها را در خانه داشته باشم، چرا نبايد براي اين فرصت شاكر باشم؟ اين جمله را واقعا می‌گويم كه سرطان نجاتم داد. من اول آمبولی ريه كردم و بعد سرطانم مشخص شد. ممكن بود در آمبولی ريه از دنيا بروم و اين فرصت را پيدا نكنم. خداوند به من يك بیماری داد و يك طول عمر دو سال و نيمه و ايسن زمان براي من خيلي پريار بود. دردها باعث می‌شد بيشتر شكرگزار باشم». مهدی شادمانی برای دوران بهبودی‌اش برنامه ريخته است و می‌خواهد همچنان روزنامه‌نگار باشد اما نه در حوزه ورزش؛ «از بچگی دغدغه داشتم كه بتوانم به ديگران كمك كنم. پزشك يك نفر را نجات می‌دهد اما رسانه يك جامعه را نجات می‌دهد. الان اگر برگردم، براي خودم ايدۀ دارم كه چگونه كار كنم. اگر سر پا شوم، ديگر تهران نمی‌مانم. يك‌ضرب سمت مناطق محروم ايران می‌روم. همان‌جا توليد محتوا می‌كنم. نگاهم به خير همين است اما بعيد می‌دانم ديگر ورزشي كار كنم. می‌روم حوزه اجتماعی كار می‌كنم. هستند كسانی كه مدت‌هاست فداكارانه اين كار را می‌كنند. يك‌وقت‌هایی چيزهایی از مناطق محروم می‌بينم كه قليم كنده می‌شود. چرا دختری چون در سيستان و بلوچستان زندگي می‌كند، بايد بسوزد؟ كجای اين مرزانه است؟ بايد مطالبه‌اش ايجاد شود. مطالبه را هم رسانه ايجاد می‌كند. پس از بهبودی‌ام سراغ كارهای جهادی می‌روم با تكيه بر اينكه من مهدی شادمانی‌ام من وابسته نيستم. کسی مرا اصولگرا يا اصلاح‌طلب نمی‌داند. من به عنوان رسانه كارم اين است كه جلوی ناخفي را بگيرم.»

به هر کجا که تو باشی

هوای من آنجا است

پدر یا مادر ؛ نقش ما در آینده کودکان بی سرپرست چیست؟

نیکوکاران شریف

حامی زنان و کودکان بدسرپرست

۰۲۱-۶۱۶۰۴

sharifcharity.com

شماره هفت: ۲۳۵۰۷ | ۱۳۰۲/۲۵۶۰۷ | شماره ثبت: ۳۳۵۰۷